

نگاهی به رجزهای عباس



نجمه کرمانی

که جنگجویی به گونه آغازین و فی البداهه در میدان جنگ آن را بسراید چه اینکه بخواهد به تناسب حال و هوای میدان نبرد آن را تغییر نیز بدهد و یا رویدادهایی را که به وقوع پیوسته و او در همان لحظه شاهد آنان بوده به شعر درآورد؛ اما در پیکارهای حضرت عباس علیه السلام شاهد چنین ویژگی ای در رجزهای او هستیم، که نشان از توان بالای او در سخن دانی دارد.

با نگاهی گذرا به رجزهایی که حضرت عباس علیه السلام در پهنه کربلا خوانده، مدعای برخورداري او از گنجینه پر بار شعر و ادب به اثبات می رسد.

رجز عبارت از شعری است که جنگجو برای ستودن خود و توصیف حسب و نسب خویش با آهنگی حماسی می خواند و دارای مفاهیمی دال بر خوار شمردن دشمن است. گاهی اوقات نیز از اشعار دیگر شاعران بهره گرفته می شود.^۱

در هر حال رجز شعری از پیش تعیین شده بوده و کمتر پیش می آمده

۱. دایرة المعارف تشیع، احمد صدر حاج سید جوادی، بهاء الدین خرمشاهی، کامران فانی، تهران، انتشارات شهید محبی، چاپ اول، ۱۳۷۹ ه. ش، ج ۸، ص ۱۷۸.

آن گاه به سوی دشمن هجوم می برد. او در ابتدا نبرد سختی با دشمنان کرده و دوباره می سراید:

لَأَزْهَبَ الْمَوْتُ إِذَا الْمَوْتُ زَقَا
حَتَّى أُوَارِيَ فِي الْمَصَالِيَتِ لَقِي
نَفْسِي لِنَفْسِ الْمُصْطَفَى الطَّهْرِ وَقَا
إِنِّي أَنَا الْعَبَّاسُ علیه السلام أَغْدُوا بِالسَّقَا
وَلَا أَخَافُ الشَّرَّ يَوْمَ الْمُلتَقَى

«من از مرگ، آن هنگام که بانگ

برمی آورد بیمی ندارم، تا این که پیکرم در میان دلیر مردان به خاک افتد. جانم فدای جان پاک پیامبر صلی الله علیه و آله باد! منم عباس علیه السلام که کارم آب آوری است و از دشمنان در روز رویارویی نمی هراسم».^۲

حمله او به قدری برق آسا بود که سبب پراکنده شدن و فرار دشمن شد.^۳

۱. مقتل الحسين علیه السلام للخوارزمی، ج ۲، ص ۳۰؛ الفتوح، ابن اعثم الكوفي، قم، نشر دار الهدی، ۱۳۷۹ هـ. ش، ج ۵، ص ۲۰۷.

۲. ینابیع المودة، سلیمان بن ابراهیم القندوزی، نجف، مکتبة الحیدریة، ۱۴۱۱ هـ. ق، ج ۲، ص ۳۴۱؛ ذخیره الدارین، السید عبد المجید الحائری، نجف، المطبعة المرتضویة، ۱۳۴۵ هـ. ق، ج ۱، ص ۱۴۵.

۳. مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۰۸؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۴۱؛ شرح شافیه ابن فراس،

با نگاهی گذرا به رجزهایی که حضرت عباس علیه السلام در پهنه کربلا خوانده، مدعای سرخورداری او از گنجینه پر بار شعر و ادب به اثبات می رسد

او در ابتدا به توصیف خود، امام خود و حسب و نسب خود می پردازد - که رجزها معمولاً بیشتر از این هم نبوده - و سپس می سراید:

أَقْسَمْتُ بِاللَّهِ الْأَعَزِّ الْأَعْظَمِ
وَبِالْحُجُورِ صَادِقًا وَزَمَزَمِ
وَبِالْحَطِيمِ وَالْفَنَاءِ الْمُحَرَّمِ
لَيَخْضَبَنَّ الْيَوْمَ جِسْمِي بِالدَّمِ
دُونَ الْحُسَيْنِ علیه السلام ذِي الْفَخَارِ الْأَقْدَمِ

«به خداوند شکست ناپذیر و

بزرگ و به حجر الاسود و زمزم و حطیم و ... صادقانه سوگند یاد می کنم که امروز پیکرم در راه حسین علیه السلام که پیشوای پر افتخار اهل فضل و بخشش است، به خونم آغشته می شود.»

این حمله بی‌امان سبب شد تا دشمن از خیال نبرد رویاروی بیرون آید، بدین منظور اجازه دادند عباس علیه السلام آب بردارد تا آنان از این فرصت استفاده کرده و در پشت نخلها کمین کنند.^۱

وقتی به آبراه فرات دست می‌یابد و می‌خواهد کمی آب بنوشد، تشنگی امام خویش را در نظر می‌آورد و می‌خواند:

يَا نَفْسُ مِنْ بَغْدِ الْحُسَيْنِ عليه السلام هُونِي
وَيَغْدَةَ لَا كُنْتُ أَنْ تَكُونِي

هَذَا الْحُسَيْنُ عليه السلام وَارِدُ الْمَتُونِ
وَتَشْرِبِينَ بَارِدَ الْمَعِينِ

تَاللَّهِ مَا هَذَا فِعَالٌ دِينِي
«ای نفس پس از حسین علیه السلام خوار باشی! و پس از او هرگز زنده نمایی! این حسین علیه السلام است که دل از زندگانی شسته اما تو آب سرد و گوارا می‌نوشی؟! به خدا قسم که این شیوه دین من نیست»^۲

و وقتی دست راست او قطع می‌شود، بی‌درنگ در رجز خود

می‌گوید:

وَاللَّهِ إِنْ قَطَعْتُمْ يَمِينِي
إِنِّي أَحَامِي أَبَدًا عَنْ دِينِي

وَعَنْ إِمَامِ صَادِقِ الْيَقِينِ
نَجَلِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله الطَّاهِرِ الْأَمِينِ

«به خدا سوگند اگر دست راستم را قطع کنید همواره پشتیبان دینم و امامم که یقین راستین دارد و نوه پیامبر صلی الله علیه و آله پاک و امین است باقی می‌مانم»^۳

او به پیکار آن قدر ادامه داد که خسته شد.

→ ابو جعفر محمد بن امیر الحاج، تهران، مؤسسه الطباعة والنشر وزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي، چاپ اول، ۱۴۱۶ ه. ق، ص ۳۶۷.

۱. مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۰۸؛ الدمعة الساکبة، ج ۴، ص ۳۲۳.

۲. ینابیع المودة، ج ۲، ص ۳۴۱؛ ابصار العین، الشیخ محمد السماوی، قم، مکتبه بصیرتی، بی‌تا، ص ۳۰؛ مقتل الحسین علیه السلام، عبدالرزاق المقرم، قم، مکتبه بصیرتی، چاپ پنجم، ۱۳۹۴ ه. ق، ص ۳۳۷؛ مقتل الحسین علیه السلام، محمد تقی بحر العلوم، بیروت، دار الزهراء، چاپ دوم، ۱۴۰۵ ه. ق، ص ۳۲۰.

۳. مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۰۸؛ مثیر الأحزان، نجم الدین جعفر بن محمد ابن نما الحلّی، تهران، کارخانه خداداد، ۱۳۱۸ ه. ش، ص ۸۴؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۴۱؛ مقتل الحسین علیه السلام، المقرم، ص ۳۳۸.

من از مرگ، آن هنگام که
بانگ برمی آورد بیمی
ندارم، تا این که پیکرم
در میان دلیر مردان به
خاک افتد.

قطع شدن دستان، دیگر مجالی برای رجزخوانی نمی ماند، اما او با روحیه ای استوار و ایمانی راسخ، با خواندن این رجزها همگان را از ایمان قلبی راسخ خود به خدا و امام خویش آگاه می سازد و در سخت ترین شرایط، دست از سر دادن شعارهای بلند عاشورا و چکامه های سرخ آن برنمی دارد.

۱. مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۰۸؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۴۱؛ العیون العبری، السید ابراهیم المیانجی، نجف، مکتبه المرتضویه، چاپ اول، بی تا، ص ۱۶۶؛ نفس المهموم، شیخ عباس قمی، قم، منشورات مکتبه بصیرتی، بی تا، ص ۳۳۵؛ ینابیع الموده، ج ۲، ص ۳۴۱.

حکیم بن طفیل طائی سنسی با شیوه قلبی در پشت نخل دیگری کمین کرد و با دیدن ضعف جسمانی حضرت، به او حمله ور شد و با ضربه ای دست چپ او را نیز قطع نمود. حضرت با روحیه ای استوار، نفس خود را مخاطب قرار داد و خواند:

وَأُبَشِّرِي بِسَرَحْمَةِ الْجَبَّارِ
مَعَ النَّبِيِّ السَّيِّدِ الْمُخْتَارِ
قَدْ قَطَّقُوا بِغَيْهِمْ يَسَارِي
فَأَصْلَهُمْ يَا رَبِّ حَرَّ النَّارِ

«ای نفس از کافران مهراس و مزده مهربانی پروردگار در جوار آقای برگزیده (پیامبر بزرگ صلی الله علیه و آله) بده! [اگر چه] با سرکشی خود دست چپ مرا قطع کردند. پس خداوند! آنان را به آتش دوزخ خود در آر!»^۱

به خوبی آشکار است که حضرت با هر حرکت دشمن، رجزی متناسب با آن می سراید؛ اگر چه در آن گیر و دار جنگ و فرود آمدن ضربتهای کاری و